کارگران همهٔ کشورها متحد شوید !

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ **۵۷۹**، دورهٔ هشتم
سال شانزدهم، ۲ فروردین ۱۳۷۹

وحشیگری و خشونت تکان دهندهٔ مزدوران «ولی فقیه» و انصارش

تأملی بر دادگاه متهمان تهاجم به کوی دانشگاه تهران

محاکمه عده یی از جنایتکاران نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی، متهم به تهاجم به کوی دانشگاه تهران - در پی تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان در اعتراض به تعطیلی روزنامه «سلام» و تصویب «لایحه مطبوعات» در مجلس شورا- و قتل، غارت، ویرانی، ضرب و شتم دانشجویان، در روز سه شنبه ۱۰ اسفند ماه ۷۸، در دادگاه نظامی تهران آغاز شد. در این «دادگاه»، جنایتکاران با اتکا به آمران اصلی این جنایت و با اطمینان از این که نه تنها به مجازات واقعی نخواهند رسید، بلکه از طرف عالیجنابان «سرخ پوش» و «خاکستری پوش» به دریافت مدال، جایزه و ارتقا مقام نیز نائل خواهند شد، از دانشجویان، طلب کار

ادامه در صفحه ۴

مبارزات گسترش یابنده کارگران و زحمتکشان و وظایف

اعتصاب یکپارچه و متحد کارکنان پالایشگاه آبادان، در روزهای ۲۷ و ۲۸ دی ماه سال جاری خورشیدی، بازتاب وسیع در جامعه یافت، و با همبستگی طبقه کارگر در سراسر کشور روبه رو شد. این اعتصاب، نه تنها زنگ خطر را برای رژیم ولایت فقیه به صدا در آورد، بلکه بار دیگر ابعاد و ژرفای نارضایتی و تنفر کارگران و زحمتکشان را از رژیم و سیاست های آن به وضوح آشکار ساخت! خواست هایی که نفتگران قهرمان آبادان در این اعتصاب بیان داشتند، گویای رشد مبارزه کارگران و ژرفش آن در شرایط کنونی است. اهمیت این مبارزه در جنبش مردمی، در راه طرد رژیم ولایت فقیه، نیز از همین جا ناشی می شود. اعتراض اصلی کارگران و کارمندان

ادامه در صفحه ۲ و۳

شادباش نوروزی کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

ایران سال مهم و سرنوشت سازی را پشت سر گذاشت

هم میهنان گرامی

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، فرا رسیدن سال نو، رستاخیز شور انگیز طبعیت،جشن چیرگی نو بر کهنه، آغاز بهار، و فرا رسیدن نوروز باستانی، این سنت خجستهٔ و دیرپای نیاکان مان را، از صمیم قلب به شما تبریک می گوید، و امیدوارست که سال نو، سال پیروزی های بزرگ، سال شکفتن شکوفه های آزادی و سال گسستن زنجیرهای ستم و استبداد رژیم ارتجاعی «ولایت فقیه» در میهن ما باشد.

در آستانه آغاز سال نو، شایسته است خاطرهٔ انبوه شهدای راه آزادی را گرامی داریم و درودهای آتشین خود را نثار قهرمانان خاموش خلق کنیم که در نبرد اسطوره یی شان بر ضد ارتجاع جان باختند و پرچم ظفرنمون جنبش آزادی خواهی میهن را همچنان در اهتزاز نگاه داشتند. پیکار قهرمانانه و خاطرهٔ تابناک و ابدی آنان، گرما و نیرو بخش جنبش مردمی میهن ماست، و دیر نیست آن روز که در خجسته بهار آزادی، خلق، یادشان را آن طور که شایسته حماسهٔ اسطوره یی شان است، گرامی دارد. درود آتشین بر زندانیان سیاسی، پیکارگران راه آزادی، کارگران، دانشجویان و زنان قهرمانی که در تاریک خانه های قرون وسطایی رژیم زیر سخت ترین و ضد انسانی ترین شرایط، در دفاع از انسانیت و حرمت انسان و آزادی انسان ایستاده اند. درود آتشین به خانواده های شهدای گرانقدر جنبش و خانواده های زندانیان سیاسی، که در افشای جنایات رژیم ضد مردمی می رزمند و دمی از پا ننشسته اند و به عهد عزیزان خود همچنان پای بندند.

ایران، سال پر حادثه و مهمی را پشت سر گذاشت. سال ۱۳۷۸، بررغم همه فراز و نشیب ها، سال حرکت مطمئن و نیرومند جنبش مردمی به پیش، و وارد کردن ضربات سهمگین بر دژ استبداد و ارتجاع بود. جنبش مردمی، در کورهٔ نبرد سال ۱۳۷۸، آبدیده تر شد و نیرومند تر و سربلند از این آزمون دشوار بیرون آمد.

سال ۱۳۷۸، سال بزرگترین قیام دانشجویی در بیست سال گذشته بود و طی آن هزاران دانشجوی آزادی خواه و مبارز، در گوشه و کنار کشور، در اعتراض به تعرضات و ترفندهای ارتجاع، از جمله بستن روزنامه «سلام» دست، به اعتراض و تظاهرات مسالمت آمیز زدند، و با فریادهای «منکوب کنید» و «سرکوب کنید» ولی فقیه رژیم روبه رو شدند. ارتجاع حاکم، با تکیه بر مماشات و مواضع ضعیف و مصلحت طلبانه دولت خاتمی، زیر لوای نجات «نظام از توطئه های خارجی»، گزمگان چماق دار و مسلح خود را به مقابله با دانشجویان بی سلاح و بی دفاع فرستاد و با کشتن تنی چند، مجروح کردن شمار زیادی و دستگیری بیش از هزار و پانصد دانشجوی آزادی خواه مترصد بود جنبش دانشجویی را مرعوب و آن را به عنوان یکی از

ادامه در صفحه ۶

در پردهٔ خون

بهار آمد بیا تا داد عمر رفته بستانیم
به پای سروِ آزادی سر و دستی برافشانیم

به عهد گل زبان سوسنِ آزاد بگشاییم
که ما خود دردِ این خونَ خوردنِ خاموش می دانیم

شرار ارغوان واخیزِ خون نازنینان است
سمندروار جانها برَ سرِ اَین شعله بنشانیم

جمال سرخ گل در غنچه پنهان است ای بلبل
سرودی خوش بخوان کز مژدهٔ صبحش بخندانیم

گلی کز خنده اش گیتی بهشت عدنِ خواهد شد
ز رنگ و بوی او رمزی به گوش دلَ فرو خوانیم

سحر کز باغ پیروزی نسیم آرزو خیزد
چه پرچم های گلگون کاندر آن شادی برقصانیم

به دست رنج هر ناممکنی ممکن شود آری
بیا تا حلَقهٔ اقبال محرومان بجنبانیم

الا ای ساحل امید سعی عاشقان دریاب
که ما کشتی درین طوفاَن به سودای تو می رانیم

دلا در یال آن گلگون گردون تاز چنگ انداز
مبادا کز نشیبِ این شَبِ سنگین فرومانیم

شقایق خوش رهی در پردهٔ خون می زند ، سایه!
چه بی راهیم اگر همخوانیِ این نغمه نتوانیم

ه. ا. سایه

با هم به سوی تشکیل جبههٔ واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

مبارزات گسترش یابنده کارگران و زحمتکشان و وظایف ما ...

پالایشگاه آبادان به طرح اصلاح ساختار صنعت نفت بود. بر پایه این طرح، شمار بزرگی از کارکنان شاغل در امور نفت، گاز و پتروشیمی تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی، اخراج خواهند شد. وزارت نفت اعلام داشته است که، طبق برنامه زمان بندی شده در طرح اصلاح ساختار صنعت نفت، بیش از ۴۰ هزار نفر « تعدیل» خواهند شد.

به علاوه بر اساس چنین طرحی، بخش هایی از صنایع استراتژیک و پر اهمیت نفت، گاز و پتروشیمی، به بخش خصوصی، اعم از داخلی و خارجی، واگذار شده، و در قانون ملی شدن صنعت نفت، که دستاورد دوران جنبش ملی شدن نفت و حکومت زنده یاد مصدق برای مردم میهن ما بود، تجدید نظر خواهد شد، و حاکمیت و تملک ایران بر ذخایر ملی خود از میان برداشته می شود. نفتگران خوزستان، که در دهه های ۲۰ و ۳۰ خورشیدی، در دوران مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت زیر رهبری حزب توده ایران، نقش پیشاهنگ داشتند، این بار نیز با هوشیاری و درایت، با بر پایی اعتصاب های مختلف، مخالفت خود را با این طرح ضد ملی بیان می کنند.

اعتصاب و اعتراض در میان نفتگران فقط به آبادان محدود نمی شود. گزارش های متعدد حاکی از آن است که، سراسر مناطق نفت خیز و پالایشگاه های تبریز، اصفهان و کرمانشاه نیز دچار تنش و نا آرامی اند. در مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور، واقع در استان خوزستان، گروه بزرگی از کارگران، در دی ماه گذشته، دست به اعتصاب زدند. روزنامه ابرار، در تاریخ ۶ بهمن ماه، در این باره نوشت: « بیش از ۷۵۰ تن از کارگران مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور دست از کار کشیدند و در برابر درب ورودی این مجتمع، گرد هم آمدند، کارگران خواستار عقد قراردادهای دسته جمعی و دائمی و لغو قراردادهای موقت شدند. به علاوه کار گران اعتصابی خواستار توقف طرح خصوصی سازی صنعت نفت شده و با آن به شدت مخالفت کردند. دامنه مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن ما، فقط به نفتگران محدود نمی شود. گرچه کارگران قهرمان صنعت نفت پیشاهنگ این مبارزات محسوب می گردند. روزنامه اخبار اقتصاد، در تاریخ ۲۸ دی ماه، گزارش اعتصاب بیش از ۵۰۰ تن از کارکنان شرکت سپنتا، در اهواز را انتشار داد، کارگران سپنتا از جمله خواستار افزایش سطح دستمزدها، و دریافت وام مسکن شدند. کارگران به سیاست های تعدیل نیروی انسانی نیز اعتراض کردند.

روزنامه کیهان، به تاریخ ۲۲ دی ماه، خبر از تجمع اعتراضی کارکنان برق منطقه ای تهران در مقابل ساختمان وزارت مسکن و شهر سازی داد. کارکنان معترض، که همگی از کارگران و کارمندان برق تهرانند، به حل نشده ماندن معضل مسکن خود اشاره کرده، و دزدی و رشوه و چپاول و بی لیاقتی مدیران و گردانندگان وزارت نیرو و مسکن و شهر سازی را افشا کردند. این زحمتکشان، از مدتها پیش، برای دریافت زمین و خانه که وزارت مسکن قول آن را داده بود، پول های هنگفتی پرداخته اند، اما پس از گذشت چند سال، هیچ کدام صاحب خانه و زمین نشده اند. یکی از نمایندگان کارکنان معترض، به خبرنگاران از جمله یادآور شد: « ما تمام موجودی خود را، برای خرید و تهیه نقشه و طراحی زمین به تعاونی مربوطه پرداخته ایم تا مسکنی داشته باشیم، حالا چگونه می توانیم بپذیریم که به ما بگویند زمین متعلق به شما نیست.» در جریان این تجمع، که با دخالت نیروی انتظامی پایان یافت، کارکنان برق تهران تهدید به اعتصاب کردند.

در تهران، کارگران شرکت مترو نیز، در روز دوشنبه ۲۷ دی ماه، در اعتراض به عدم دریافت بموقع دستمزدهای خود در شرایط اسف بار معیشتی، دست از کار کشیده و تحصن کردند. متروی تهران، از زمره آن طرح هایی است که در آن حیف و میل های مالی بزرگ صورت گرفته و هم اینک نیز صورت می گیرد. کارگران، به مدیریت محسن هاشمی، فرزند رفسنجانی که از عوامل اصلی فساد در مترو تهران است، اعتراض داشته و خواستار برکناری او هستند.

همچنین، در تاریخ ۱۴ دی ماه، ده ها تن از کارگران کارخانه مبلیران، در اعترض به عدم پرداخت بموقع دستمزدهایشان و تعطیلی کارخانه یک گرد هم آیی را مقابل وزارت کار در تهران سازمان دادند. این کارخانه در سال ۱۳۷۳ خورشیدی به بخش خصوصی واگذار شد و از آن تاریخ به بعد در سراشیب رکود و تعطیلی قرار گرفت. در سال ۱۳۷۷، در پی اجرای سیاست تعدیل نیروی انسانی در کارخانه، نیمی از کارگران اخراج و یا اجبارا بازخرید شدند. باقی مانده کارگران، که بالغ بر ۲۸۰ نفر می شوند با مشکل دستمزد و کاهش سطح زندگی مواجه اند تا اینکه این کارخانه رسما از مدتی پیش تعطیل گردید. کارگران مدت یک سال است که دستمزدی دریافت نکرده و بلاتکلیف مانده اند! کارگران کارخانه مبلیران، در تجمع خود مقابل وزارت کار بشدت بر ضد خصوصی سازی شعار دادند. به دنبال این تجمع اعتراضی، وزیر کار جمهوری اسلامی در میان کارگران حاضر شد، و ادعا کرد که در هیچ جای دنیا به اندازه ایران از کارگر حمایت نمی شود. کمالی در این اجتماع به کارگران قول رسیدگی به خواست های کارگران را داد. اما با وجود وعده های داده شده روزنامه فتح، پنجشنبه ۱۲ اسفند، خبر داد که، کارگران شرکت مبلیران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود اقدام به بستن جاده مخصوص کرج کرده بودند.

از دیگر اعتراضات پر اهمیت در ماه های گذشته، حرکت اعتراضی کارکنان شرکت های تحت پوشش بانک صنعت و معدن بود. این زحمتکشان، در یک اقدام هماهنگ و متشکل، در تاریخ ۲۱ دی ماه، دست از کار کشیده، و در برابر شعبه مرکزی این بانک در تهران تجمع کردند. روزنامه اخبار اقتصاد، در این باره نوشت که، کارکنان اعتصابی دستمزد و پاداش معوقه خود را طلب می کردند، و بر ضد خصوصی سازی شعار می دادند. خصوصی سازی گسترده در بانک صنعت و معدن و شرکت های تابعه آن، امنیت شغلی کارگران و کارمندان را تهدید کرده و سبب کاهش سطح در آمد آنها شده است. کار وکارگر، دوشنبه ۲۷ دی ماه، گزارش داد که، صدها تن از کارکنان کارخانجات لوله سازی خوزستان که بیشترین سهام آن متعلق به بانک صنعت و معدن و شرکت سات کاپ(وابسته به وزارت نیرو) است در اعتراض به عدم دریافت حقوق چندین ماهه خود در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند.

رژیم ولایت فقیه، تمام جناح های آن، خصوصی سازی را یکی از اصلی ترین راه های حل مشکلات اقتصادی معرفی می کنند. در مقابل زحمتکشان فکری و یدی کشور، این سیاست را یکی از اصلی ترین زمینه های پدید آمدن بحران و ناامنی شغلی قلمداد می کنند. نمونه اعتراض کارکنان شرکت های تحت پوشش بانک صنعت و معدن به خصوصی سازی، و دفاع دولت خاتمی از خصوصی سازی، در این زمینه جالب توجه است. بانک صنعت و معدن و شرکت های تحت پوشش آن، از جمله مراکزی اند که در طول سال جاری خورشیدی، در اجرای سیاست خصوصی سازی افسار گسیخته فعال بوده اند. چندی پیش غلامرضا شافعی، وزیر صنایع دولت، در مصاحبه یی در باره روند خصوصی سازی، اعلام داشت: «از ابتدای سال جاری تا پایان آذر ماه، ۱۰۷۰ میلیارد ریال سهام شرکت های تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و صنایع ملی ایران به مردم [بخوان سرمایه داران] واگذار شده است. در این مدت حدود ۳۷۰ میلیارد ریال سهام بانک صنعت و معدن (شرکت های تابعه) به مردم [سرمایه داران] واگذار شده و در مجموع به ۲۶ میلیون نفر سهام واگذار گردیده... پیش بینی می شود تا پایان سال جاری حجم واحدهای تحت پوشش وزارت صنایع به دو برابر میزان فعلی برسد» (اطلاعات بین المللی ۱۹ بهمن ۷۸). جالب است که هیچ یک از کارکنان شرکت های تحت پوشش بانک صنعت و معدن جزو آن ۲۶ میلیون سهام گیرنده قرار نمی گیرند!! این ادعاهای مضحک و دروغ چنان بی پایه است که فقط باید به آن خندید! صدها نفر از کارگران و کارمندان، در اعتراض به خصوصی سازی و تهدید امنیت شغلی، اعتصاب می کنند، و وزیر صنایع در دفاع از خصوصی سازی اعلام می کند: ۲۶ میلیون سهم به مردم!! واگذار شده!! این نوع دروغ پردازی های بزرگ، روی گوبلز را سفید کرده است. در همین زمینه، کاروکارگر، سه شنبه ۲۸ دی ماه، خبر از اعتراض و اعتصاب کارگران مجتمع کشت و صنعت لرستان داد، که در آن کارگران گفته اند: «مدیر عامل شرکت کشت و صنعت، واحدهای مختلف این مجتمع را به پیمانکاران خصوصی و از وابستگان خود واگذار کرده است و سود شرکت را عاید آنان کرده است و این در حالی است که کارگران این مجتمع از کار بیکار شده اند.»

تصویب قانون ضدکارگری معافیت کارگاه های دارای ۵ نفر کارگر و کمتر از شمول قانون کار، توسط مجلس ارتجاع، از جمله خبرهای مهمی بود که عکس العمل خشمگینانه کارگران را در بر داشت. روزنامه همشهری، ۱۰ اسفند، در این باره خبر داد که چندین هزار نفر از کارگران، معترض به این قانون، در مقابل مجلس ارتجاع تجمع کرده و بر ضد این قانون ارتجاعی به شعار دادن پرداختند. در صورت اجرای این قانون، نزدیک به دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از زحمتکشان میهن مان فاقد پشتوانه قانونی می شوند. مرتضی حاجی، وزیر تعاون، در این باره گفت: «به نظر من کسانی که به این مصوبه رای مثبت داده اند، دارای نیت خیر بوده اند و قصد داشته اند بر میزان اشتغال در کشور بیفزایند ولی در هر حال برای رسیدن به هدف فوق اشتباه کرده اند» (عصر آزادگان ۱۱ اسفند). روزنامه ارتجاعی کیهان، دوشنبه ۹ اسفند، از قول محمد رضا خباز نماینده رژیم در مجلس اسلامی، نوشت: «بر اساس این مصوبه نه تنها قانون کار لغو نشده بلکه این قانون

ادامهٔ در صفحه ۳

مبارزات گسترش یابنده کارگران و زحمتکشان و وظایف ما ...

تقویت نیز شده است، زیرا بر اساس تبصره مذکور کارگر و کارفرما با توافق یکدیگر به تنظیم قراردادی مبادرت می ورزند که این قرارداد و توافق نامه در محاکم دادگستری نیز قابل استناد است.» وی در جایی دیگر ادعا کرد که، اگر این «قانون» اجرا شود، خود کارگرانی که این روزها به اعتراض «تحریک» شدند در آینده حلاوت آن را خواهند چشید. روزنامه «هم میهن»، که اخیرا توسط کرباسچی انتشار یافته است طی مقاله یی دراین باره، در شماره دوشنبه ۱۶ اسفند خود، به قلم محمد رضا میر حسینی، نوشت: «گفته می شود که نمایندگان ملت باید به خواست قشر کارگر که بخش عظیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهد توجه کنند و قانون کار را اصلاح نکنند. این استدلال منطقی به نظر نمی رسید. گناه جمعیت جوانی که در آینده جویای کار خواهند بود چیست که اکنون تشکیلاتی منسجم برای دفاع از برداشتن موانع تولید شغل در کشور را ندارند. گناه مردم کوچه و بازار که خواهان شکوفایی اقتصادی هستند چیست. شکوفایی که اگر محقق شود کارگران نیز از آن بهره مند خواهند شد و اگر تحقق نیابد نیز متضرر می شوند.»

بنا بر آخرین گزارشات رسیده، هزاران کارگر دوباره در اعتراض به این مصوبه ضد کارگری - ضد مردمی، روز چهار شنبه ۱۸ اسفند، در مقابل مجلس ارتجاع، تجمع کرده ، و با دادن شعار بر ضد نمایندگان رژیم ولایت فقیه در مجلس خواستار لغو این مصوبه ارتجاعی گردیدند.

روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۶ اسفند، خبر از اعتصاب کارگران کارخانجات نساجی بروجرد داد. کارگران خواستار طرح طبقه بندی مشاغل، رفع تبعیض و افزایش دستمزدهای خود بودند. علاوه بر آنچه اشاره شد، دهها و صدها اعتصاب دیگر، از جمله در کارخانه صنعت چوب ساوه ، کارخانجات لوله سازی لرستان، کارخانه بارش اصفهان، شرکت صنعتی پولیکای اصفهان، شرکت الکتریک رشت و شرکت گرانسنگ مهر کلار دشت و غیره به وقوع پیوسته، و همگی حاکی از اوج گیری مبارزات کارگری است. پرسش اساسی در بررسی این رخ دادها عبارت است از آنکه، در مقابل این جنبش رو به گسترش و بسیار نیرومند وظایف نیروهای انقلابی و مترقی چیست؟!

آنچه در تمامی این اعتصابات به چشم می خورد، ماهیت عمیقا سیاسی آنهاست. ضمن آنکه خواست های صنفی نیز از برجستگی خاص برخوردارند. مخالفت با خصوصی سازی، در واقع، مبارزه آگاهانه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با برنامه های ضد ملی و ضد کارگری رژیم ولایت فقیه است. در راس این برنامه ها، برنامه سوم توسعه قرار دارد که، چندی پیش، از تصویب مجلس ارتجاع گذشت. علاوه بر این، در بررسی و ارزیابی حرکات اعتراضی زحمتکشان می توان به خوبی دو ضعف عمده را تشخیص داد. ضعف سازمان دهی و تشکیلات و ضعف همبستگی جنبش کارگری- سندیکایی بدون غلبه بر این دو عامل، قادر به فراروی به مرحله کیفی بالاتر نیست.

در شرایط فعلی، می باید تمامی مساعی نیروهای انقلابی و فعالان کارگری معطوف و مصروف به حل این دو ضعف شده و در این جهت تمرکز یابد. با ارتقاء سطح همبستگی و سازماندهی در جنبش کارگری- سندیکایی، این جنبش گام های بلندی را برداشته و خواهد توانست نقش واقعی و شایسته خود را در تحولات میهن ما پیدا کند. تلاش های انجام شده در این راه، که ما در ماه های اخیر تبلور آن را در انتشار اطلاعیه های «کارگران صنوف و کارخانجات تهران»، مشاهده کرده ایم گام مثبتی در این راستاست که باید ادامه و گسترش یابد. حضور سازمان یافته و متحد طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، مساوی است با ژرفش جنبش مردمی و فراورویی آن به مرحله عالی تر مبارزه برای کسب آزادی و عدالت اجتماعی.

علاوه بر اینها، اگر کارگران مبارز میهن مان بتوانند با مبارزات پیگیرانه خود، سیاست ها و برنامه های ضد کارگری رژیم ولایت فقیه را خنثی کنند، در یک نبرد تاریخی در مصاف با ارتجاع ایران، کامیابی بزرگی کسب کرده اند که، این به نوبه خود، در مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه دارای اهمیت کلیدی است. بنابراین، باید قاطعانه تاکید کرد که مبارزه کنونی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، در شرایط حاضر، از اهمیت تاریخی برخوردار است، و میزان موفقیت آن، بر سرنوشت میهن ما تاثیر جدی دارد. فراموش نکنیم، این مبارزه، در عین حال، مقاومتی آشکار و تقابلی هوشیارانه با سیاست هایی است که می کوشد ایران را به زائدهٔ بی هویت سرمایه داری جهانی در عصر جهانی شدن اقتصاد، بدل کند. کوتاه سخن: اهمیت مبارزه زحمتکشان در شرایط کنونی، وظایف بس خطیری را بر دوش نیروهای چپ، به ویژه حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران، قرار داده است.

ارتقاء سطح سازمان دهی و همبستگی در جنبش کارگری، تجهیز این جنبش به شعارهای صحیح، فراگیر و بسیج کننده و موثر، پیوند مبارزات کارگری با دیگر سنگرهای مبارزه بر ضد استبداد، یعنی پیوند با مبارزات زنان، دانشجویان و جوانان، کشاندن مبارزه از محدوده مراکز تولیدی به سطح جامعه، اتصال حلقه های منفرد و جدا از هم اعتصاب به یکدیگر و تبدیل آنها به رشته یی نیرومند و به هم پیوسته، افشاندن بذر آگاهی و درک ضرورت تشکیلات در میان کارگران، به ویژه نسل جوان کارگر، و آشنایی آنها با گذشته پرافتخار جنبش کارگری - سندیکایی، و نیز تحکیم رابطه کارگران با حزب خود، حزب توده ایران، از طریق مناسب ترین راه های ممکن، از جمله وظایف عاجل و مبرم در دوران متحول، حساس و سرنوشت ساز کنونی اند. نقش رفقای توده ای داخل کشور، و کارگران توده ای در این زمینه، انکار ناپذیر است.

اطلاعیه کارگران صنوف و کارخانجات صنعتی تهران

بازندگان انتخابات ششم از کارگران و زحمتکشان انتقام می گیرند

«بازندگان و درماندگان عرصهٔ چالش های سیاسی از کارگران و زحمتکشان انتقام می گیرند. ۲۹ بهمن روز شکست انحصار طلبان قدرت بود. روزی که توده های مردم و در پیشاپیش آنها کارگران و زحمتکشان قدرت پوشالی حاکمان بی مایه و درمانده را فرو ریختند. درست ۱۰ روز پس از شکست خفت بار و حقارت آمیز جناح راست در انتخابات مجلس ششم، جناح مغلوب، طرح شکست خورده خود را تحت عنوان «طرح معافیت کارگاه های داری پنج کارگر یا کمتر از شمول قانون کار» دگربار به مجلس برد و آن را به تصویب رساند. این حرکت ارتجاعی و ضد کارگری نمایندگان سرمایه داری بازار، واکنش عظیم توده های کار را برانگیخت. تعداد بسیاری از کارگران کارگاه ها و کارخانه ها در مقابل مجلس دست به تحصن و اعتصاب بر علیه طرح ارتجاعی و ضد کارگری زدند. تصویب طرح ارتجاعی برخی از نمایندگان حاکمیت را برانگیخت. آقای محجوب مصوبه اخیر مجلس را بازگشت به عصر گاو آهن دانست. جناح راست در آخرین لحظات از حیات سیاسی خود از کارگران زخم چشم می گیرد غافل از آنکه هنگامی که خشم فروخورده کارگران و زحمتکشان طغیان کند طوفان بنیان کنی خواهد گردید که طومار زندگی مخالفین سیاسی و طبقاتی و حامیان سرمایه داری را درهم خواهد پیچید.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

بانگ اعتراض خود را بر علیه طرح ارتجاعی و ضد کارگری حامیان سرمایه داری بلند کنید.

پیروز باد مبارزهٔ عادلانه کارگران و زحمتکشان کشور ما

پیش به سوی تشکیل و احیاء سندیکاها و شوراهای کارگری مستقل

کارگران صنوف و کارخانجات صنعتی تهران
۹ اسفندماه ۱۳۷۸»

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران !

وحشیگری و خشونت تکان دهندهٔ مزدوران ...

نیز شده اند. عباس عبدی، از چهره های برجسته اصلاح طلبان، در گفتگویی می گوید: « من معتقدم اینها عناصر اصلی کوی دانشگاه نیستند. یعنی همان کسانی (بخوان ولایت فقیه و مزدورانش) که زمینه سازی نظری و عملی این ماجرا را فراهم کردند» (عصر آزادگان ۱۵ اسفند۷۸). در «دادگاه» از دیگر عاملان واقعی کوی دانشگاه و وقایع چند روز بعد در دانشگاه تهران و در خیابان های تهران، که همان لباس شخصی ها و گروه های فشار بودند، نشانی نیست و به اتهامات آنان رسیدگی نمی شود. «تیمسار پاسدار» لطفیان، فرمانده نیروی انتظامی، گفت: « در مورد حضور افرادی با لباس شخصی، دادگاه انقلاب که بعد از دادگاه نظامی تشکیل خواهد شد، تصمیم خواهد گرفت. » در حقیقت «تیمسار پاسدار»، برای پنهان ماندن آمران و عاملان اصلی جنایات، وعده سر خرمن می دهد. «تیمسار پاسدار» در پاسخ به پرسش دانشجویان، در جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه « صنعتی شریف»، که «چرا شما استعفا نمی دهید؟»، به طور ضمنی آمر اصلی را لو می دهد و می گوید: « من خودم نیامدم و مسئولان نظام(؟!) هستند که فرماندهان نیروهای مسلح را منصوب می کنند. »

چندی پیش، ۲۴۰ نفر از روشنفکران، حقوق دانان، نویسندگان و هنرمندان میهن، که با ارسال نامه یی برای محمد خاتمی نگرانی خود را از اوضاع کشور اعلام کرده بودند، به درستی اعلام کردند: «همه ما واقعیت جریان دانشجویی را با گوش و چشم و اندیشه شنیدیم، دیدیم و درک کردیم... آنچه باید به طور عاجل انجام می گرفت دستگیری و محاکمه عادلانه و علنی مهاجمان و رهبرانشان بود... اکنون ماجرا وارونه شده و دست هایی دیگر دراز می شوند تا دنباله جوخه های مرگ موسوم به محفلی را علیه دگر اندیشان و منتقدان سیاسی و نویسندگان آزاد این سرزمین به انجام برسانند» (ضمیمه نامه مردم ، ۲۷ مهر ماه ۷۸).

و دیدیم که این جریان و این «دست های دراز»، که دنباله «جوخه های مرگ» بر ضد دگر اندیشان اند پس از سرکوب و قتل و شکنجه دانشجویان، ادامه یافت و اکنون می توانیم تداوم و دنباله آن را در اخلال در جریان انتخابات دوره ششم، محکومیت بهرام نمازی و فرزین مخبر، از مبارزان راه آزادی و عضو حزب ملت ایران، و دانشجویان شرکت کننده در جنبش دانشجویی ۱۷ تیرماه ۷۸، همچون احمد باطبی، شفیعی، عبدالباقی، آریا، به زندان و محکومیت اکبر محمدی به اعدام و تهدید اکبر گنجی به مرگ و حادثه اخیر ترور سعید حجاریان، یکی از برجسته ترین چهره های اصلاح طلبان، ببینیم.

جمعیت موتلفه اسلامی ، دانشجویان معترض را وقیحانه به پیروی از آمریکا و استکبار غرب متهم می کند، و آنان را دانشجو نما می نامد (همشهری ۲۳ تیرماه ۷۸). و ناطق نوری نیز در باره «آمدن سیل» و از بین رفتن «همه» داد سخن می دهد. مصباح یزدی، نظریه پرداز سرکوب و خشونت رژیم ولایت فقیه می گوید: « در مواردی که اسلام در خطر باشد خشونت واجب است» و ضمن اوباش خواندن دانشجویان، گفت: « به تشخیص خودم احساس کردم باید این بت که خشونت بد است و هر نرمش مطلوب است، شکست... باید یک شوک به جامعه وارد می شد که خواب نباشید و به عافیت طلبان نیز گفته می شد که تحت تاثیر این تبلیغات قرار نگیرید، این یک خطر است. و در این عمل خشونت با قانون مداری منافاتی ندارد، سپاهی و غیر سپاهی همه موظفیم... اگر خیال کنیم که با شعار و تظاهرات می توان با فعالیت های فرهنگی دشمن مقابله کرد، این راه اشتباهی است. »

این دستور صریح و مستقیمی است به قتل و ترور از دهان یک خائن به ملت ایران و جنایتکاری که باید همراه با دیگر جنایتکاران و آمران و عاملان اصلی این جنایات بیست و یک ساله، مانند هاشمی رفسنجانی ها، ناطق نوری ها، عسگر اولادی ها، واعظ طبسی ها، جنتی ها، محمد یزدی ها، فلاحیان ها و دیگر مزدوران و شکنجه گران، که در سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، بسیج و وزارت اطلاعات، لانه کرده اند، و

نیز شخص «ولی فقیه» که آمر اصلی این جنایات است، باید در دادگاه خلق به محاکمه کشانده و مجازات شوند. دادگاه کوی دانشگاه، نمونه یی ست که نشان دهنده بیدادگری ها و جنایات مزدوران ذوب شده در ولایت در میهن ماست. ببینید چه بر سر دانشجویان ما، این بشارت دهندگان آزادی، آورده اند:

محسن رهامی، که به عنوان وکیل دانشجویان در این دادگاه حضور یافته، در مورد ورود نیروهای انتظامی تحت امر ولی فقیه، گفت: «هیچ انسانی گمان نمی کرد که جمعی نیروی مسلح(بخوان اوباش مسلح) که تحت تشکیلات مقام رهبری قرار دارند، چنین جریانی را به وجود آورند.آنها بدون مجوز وارد خوابگاه شدند، اتاق ها را آتش زدند، وسایل دانشجویان را تخریب کردند و یکی از دانشجویان را از طبقه سوم به پایین پرتاب کردند» (عصر آزادگان ۱۱ اسفند ۷۸).

وی در مورد عزت ابراهیم نژاد، که توسط مزدوران ولی فقیه به شهادت رسید، اظهار داشت: « بر اثر این حمله، یکی از دانشجویان اهوازی که دوران خدمت سربازی خود را می گذراند و شب حادثه در خوابگاه به سر می برد، به قتل رسید و حتی شهودی حضور دارند و دیده اند که قاتلان به همراه مقتول در داخل آمبولانس قرار گرفتند و از کوی خارج شدند. »

رهامی در جایی دیگر گفت: « در فاصله ۲۴ ساعت ۲۰۴ نفر در کوی دانشگاه دستگیر شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به نقطه نامعلومی فرستاده شدند و بعد از کتک کاری(شکنجه)، آنها را در جای نامعلومی رها کردند و حتی به یکی از آنها آمپول بیهوشی تزریق کردند و حتی بعد معلوم شد که در انگشت وی آثار سم مشاهده شده است» (همانجا).

رامین کریمی، به عنوان اولین شاکی، در مورد حادثه کوی دانشگاه ،اظهار داشت: « من به لحاظ مجروحیت در جبهه های جنگ قرص مصرف می کنم و بی خبر از حادثه، خوابیده بودم که عده ای از ماموران نیروی انتظامی باتوم به دست با شکستن درهای اتاق وارد محل سکونت ما شدند و شروع به ضرب و شتم ما کردند. این ماموران پس از چند مرحله کتک کاری، مرا از طبقه سوم با گفتن «یا حسین ما را بپذیر» به پایین پرتاب کردند که موجب شکسته شدن چندین نقطه از دست و پایم شد. به دنبال این حادثه، من رمقی نداشتم ولی با این حال ماموران نیروی انتظامی که عده ای با لباس شخصی نیز به همراه آنان بودند، گفتند مثل اینکه زنده است و شروع به ادامه کتک زدن کردند، به حدی که از بینی و دهانم خون جاری بود و در نهایت دانشجویان مرا نجات دادند. »

وی در جایی دیگر از اظهاراتش گفت: « زمانی که ۱۳ ساله بودم، به جبهه رفتم و در آنجا مجروح شدم. پس از جنگ به جبهه دوم یعنی دانشگاه پا گذاشتم و باز به خانه ما که کوی دانشگاه بود تجاوز شد» (همانجا).

از نکات مضحک این دادگاه این که، وقتی محسن جمالی به شرح ماجرا و حادثه یی که منجر به اصابت یک گلوله به چشم راستش و از دست دادن آن شد، پرداخت، معاون دادستان نظامی تهران ادعا کرد که، محسن جمالی در روز سوم مورد اصابت گلوله قرار گرفته و این دادگاه مربوط به حادثه شب ۱۷ تیرماه است. این اظهارات مضحک مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفت. علی نوروزی گفت: « من نمی دانم به چه دلیل در دادگاه فقط به حوادث و اتفاقات چند ساعت اول حادثه کوی دانشگاه رسیدگی می شود. » جعفر میکائیلی نیز گفت: « بر اثر اصابت گلوله سلاح کمری به زانوی چپم از سوی ماموران نیروی انتظامی زانویم از کار افتاده است و پایم تا نمی شود» (همانجا).

در جلسهٔ دوم دادگاه، رزاقی، یکی دیگر از شاکیان، که مورد ضرب وشتم شدید قرار گرفته بود، به شرح حادثه پرداخت، و چنین گفت: «با صدای گلوله و فریاد دانشجویان از خواب پریدم و در همین حال بر اثر شلیک گاز اشک آور مشکل تنفسی پیدا کردم. مهاجمان پس از شکستن در، وارد محل استراحت ما شدند و ساکنان آن را به باد کتک گرفتند. من در حالی که بشدت ترسیده بودم به سمت پنجره اتاق فرار کردم که از حفاظ پنجره عبور کنم. در حالی که نصف بدنم بیرون بود، ماموران با باتوم به قسمت دیگر بدنم که در اتاق مانده بود، ضربات شدیدی وارد کردند و در همین حین یک نفر با لباس شخصی و بی سیم از محوطه بیرون مرا به سمت بیرون کشید. او مرا بی رحمانه به زمین

ادامه در صفحه ۵

ادامۀ وحشیگری و خشونت تکان دهندۀ مزدوران ...

کشید.» وی ادامه داد: «در حالی که بشدت زخمی شده بودم، مرا با سایر دستگیر شدگان به مقر نیروی انتظامی منتقل کردند.»

علیرضا زمانی، یکی دیگر از دانشجویان، که مورد ضرب و شتم قرار گرفته، در ادامه جلسه دادگاه، گفت: «به حدی نیرو اعم از شخصی و انتظامی آمده بود که فکر می کردم آخر زمان شده است.» وی با اشاره به این که برای هر اتاق خوابگاه چهار نفر سازمان دهی شده بود، گفت: «به هنگام هجوم نیروها، ما پشت در اتاق موانعی قرار داده بودیم اما هنگامی که پس از ضربات واردشده به در شاهد شکسته شدن آن بودیم، فهمیدیم که موضوع عظیم تر از آن است که ما فکر می کردیم. مهاجمان ما را کشان کشان با پای برهنه از راه پله های طبقه سوم به پایین کشیدند» (عصر آزادگان ۱۵ اسفند۷۸).

رضا نظری به تشریح اقدامات ددمنشانه نیروهای تحت امر ولی فقیه پرداخت و گفت: «حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ دانشجو در باره دستور توقیف روزنامه «سلام» شعار می دادند که چند نفر لباس شخصی شروع به سنگ پرانی و فحاشی به دانشجویان کردند. در همین حین نیروهای نظامی و لباس شخصی که به تدریج زیادتر می شدند از کوچه های اطراف به دانشجویان و از جمله به من حمله کردند. آنها آنقدر با میلگرد و کابل مرا زدند که بی رمق بر زمین افتادم.» وی ادامه داد: «رامین نظری در حالی که لباس شخصی بر تن داشت با کلت، ضربات شدیدی بر سر من می زد و با بی سیم اطلاع داد که رهبر حادثه جویان را دستگیر کرده است» (همانجا).

حسین عابد پور، دانشجوی دیگر اظهار داشت: «وقتی در جبهه بودم خشونت دیدم، در زمان انقلاب هم ۱۸ سال داشتم ولی در جنگ چنین خشونتی ندیده بودم.» وی افزود: «توسط یکی از دوستانم که در عراق اسیر بود از تونل وحشت چیزهایی شنیده بودم تا اینکه در روز حمله به کوی آن را به طور واقعی دیدم» (همانجا).

میر شفیع، یکی دیگر از دانشجویان حادثه دیده، در پاسخ به سوال رئیس دادگاه که، از دانشجویان در مورد شعارها سوال می کرد، گفت: «شعار دانشجویان که شما می خواستید بدانید، این بود، «آزادی اندیشه، همیشه همیشه» و «با چوب و چماق و تیشه، سلام، بسته نمی شه» وی در جای دیگر گفت: «عمق قضیه فراتر از این مسائل است و بررسی آن نیاز به کارآگاهان مستقل دارد و هنوز دستور دهندگان اصلی مشخص نشده اند و قاتل ابراهیم نژاد نیز مشخص نیست.» رئیس دادگاه خطاب به میر شفیعی اظهار داشت: «این مسائل به شما ربطی ندارد، دادگاه را سیاسی نکنید و قتل ابراهیم نژاد مربوط به اولیای دم است» (همانجا).

روزنامه «صبح امروز» (۱۰ بهمن ۷۸)، می نویسد: «بخش افراطی جناح راست با ارائه تحلیل در هفته نامه ارگان خود، طرحی واقعی برای بحران سازی و اغتشاش را ارائه کرده است. بر اساس این تحلیل، اگر مردم، ترکیب مجلس آینده را به نفع طرفداران قانون گرایی و مردم سالاری تغییر دهد حزب الله باید بکوشد آن را به ختم جریان ضدانقلاب تبدیل کند.»

میهن ما، روزهای تاریخی بزرگی را پشت سر گذاشته است، و روزهای تاریخی و سرنوشت ساز بزرگ تری را در پیش رو دارد. پایه های حکومت استبدادی و فاسد رژیم «ولایت فقیه» به لرزه افتاده است. قتل های زنجیره ای، سرکوب قیام قهرمانانه دانشجویان در تهران و شهرستان ها، نشان داد که رژیم «ولایت فقیه» تضادی آشتی ناپذیر با آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی دارد و برای حفظ حاکمیت ستمگرانه خود از هیچ گونه شکنجه، قتل، غارت، ویرانی و ترور، توسط مزدوران نظامی و شبه نظامی تا بن دندان مسلح اش، روی گردان نیست. آزادی خواهان و مبارزان راه آزادی میهن ما، در عین حال که متکی به نیرو و توانایی خود و مردم ایرانند، یک لحظه نیز نباید خطر سرکوب گری ارتجاع کلان سرمایه داری و باندهای مافیایی ذوب در رژیم فاسد و واپس گرای «ولایت فقیه» را از یاد ببرند. باید با وحدت تمامی نیروهای انقلابی و آزادی طلب، و با انسجام تشکیلاتی، برای طرد رژیم استبداد و تاریک اندیش ولایت فقیه و تحقق آزادی و عدالت اجتماعی در میهن، هرگونه سد و مانعی را بر طرف ساخت.

«یک قاتل آک بند استخدام می شود»

سید ابراهیم نبوی

«در راستای این که قرار است به زودی عامل ترور آقای حجاریان شناسایی و معرفی شود، جهت حفظ مصلحت و اصول پیشنهاد می شود که اگهی زیر چاپ و مورد مناسب معرفی، در اسرع وقت اعتراف و در صورت تشخیص مصلحت خودکشی نماید

• • •

به یک قاتل مزدور بیگانه، ترجیحاً عامل صهیونیسم که آمادگی پذیرش مسؤولیت هرگونه قتل را داشته باشد، در اسرع وقت نیازمندیم. شرایط ما به شرح زیر است:

۱) سابقه فعالیت و کار در نهادهای انقلابی را نداشته باشد و یا خود سر باشد.

۲) روابط مشخص و روشنی با صهیونیسم داشته باشد.

۳) خونسرد باشد و در هنگام اعتراف دستپاچه نشود.

۴) آک بند و صفر کیلومتر باشد و قبلاً در هیچ قتل زنجیره ای مورد استعمال قرار نگرفته باشد.

۵) حتی الامکان سابقه استحاله داشته باشد.

۶) قابلیت تحرک بالا داشته باشد و در صورت مورد سخنرانی قرار گرفتن اقدام به قتل نماید.

۷) اندازۀ گردن XXL باشد و برای انداختن هر اقدام و توطئه ای به گردنش قابلیت پذیرش داشته باشد.

۸) دارای گواهینامه رانندگی حرفه ای با موتور سیکلت بالاتر از ۱۰۰۰ باشد و حتی الامکان با موتور سیکلت ۱۰۰۰ و بالاتر عکس قدیمی داشته باشد.

۹) سابقه آلزایمر نداشته باشد و بتواند به تمامی چیزهایی که به او گفته می شود بدون فراموشکاری اعتراف کند.

• • •

نتیجه گیری تبلیغاتی: قتل از ما، قاتل از شما.

نتیجه گیری دموکراتیک: در مرحله گذار به دموکراسی بهتر است تا وقتی مسؤولان آمادگی پذیرش مسؤولیت اعمالشان را ندارند، دیگران مسؤولیت اعمال آنها را بپذیرند.»

به نقل از روزنامۀ «مشارکت»، شنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۷۸

ادامۀ ده دلیل برای از هم پاشانیدن ...

محدویت برای تصمیم گیری دموکراتیک و یا گرایش آن برضد اقتصادهای محلی، قابل ترمیم نیستند، چرا که آنها ذاتی «س.ت.ج» اند. به دلیل این که و غیر قابل درمان، سازمان تجارت جهانی باید هر چه زودتر تعطیل شود. این به معنای چشم پوشی از قدمهای موقت واسطه ای نیست. بلکه به این معناست که رفورم های سودمند نه در جهت افزودن عرصه های عمل «س.ت.ج» و یا تقویت اختیارات آن، حتی اگر که این عرصه های جدید به نظر مطلوب بیایند (مانند حقوق کارگران و یا رقابت)، بلکه باید در رابطه با اصلاحاتی باشد که قدرت «س.ت.ج» را کاهش می دهند. برای مثال محروم کردن «س.ت.ج» از قدرت باطل کردن قوانینی که پیرو موافقتنامه های بین المللی محیط زیست تصویب می شوند، محدود کردن کاربرد قوانبن کشاورزی «س.ت.ج» در جهان سوم و یا حذف کردن موضوعات مشخصی (نظیر داروهای ضروری و یا فرم های حیاتی) از محدوده پوشش موافقت نامه دارایی های عقلانی «س.ت.ج» را می توان متذکر شد. این اقدامات که به تنهایی نیز ضروری ومطلوب اند، می توانند به ایجاد جنبش برای تعطیل س.ت.ج کمک کنند.

از نشریه هفتگی جهان مردم- ارگان حزب کمونیست آمریکا

ادامهٔ شادباش نوروزی کمیتهٔ مرکزی ...

گردان های مهم جنبش مردمی، از صحنه مبارزه سیاسی خارج کند. ولی جنبش دانشجویی، نه تنها از صحنه مبارزه خارج نشد، بلکه مصصم تر از پیش به نبرد خود ادامه داد، و توانست در رویدادهای دیگر سال ۱۳۷۸، از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی، نقش مهمی ایفاء کند.

سال ۱۳۷۸، بی شک سال تلاش وسیع و سازمان یافته نیروهای واپس گرا، ارتجاعی و ضد مردمی برای بازپس گرفتن مواضع از دست رفته و متوقف کردن حرکت جنبش بود. بستن روزنامه های منتقد، و مدافع دوم خرداد، از جمله روزنامهٔ «سلام»، و سپس بستن روزنامهٔ «خرداد» و محاکمه مدیر مسئول آن، تنها گوشه یی از این تلاش ها و حرکات بود. محاکمه عبدالله نوری، مدیر مسئول روزنامه «خرداد»، و کسی که در گذشته یی نه چندان دور، نقش موثری در حاکمیت جمهوری اسلامی ایفاء کرده بود، با هدف گسترش جو ارعاب و اعلام قدرقدرتی رژیم «ولایت فقیه»، بر خلاف تصور سران جناح «ذوب در ولایت»، به یک دادگاه ملی محاکمه رژیم بدل شد و دفاعیات شجاعانه نوری در افشای نقش سرکوبگرانه و ضد مردمی رژیم، در دفاع از آیت الله منتظری و در دفاع از خواست جنبش مردمی برای پایان دادن به رژیم استبداد، بیش از پیش پرده از ماهیت عمیقاً ضد ملی و ضد مردمی رژیم برداشت و هزینه بسیار سنگینی را برای نیروهای واپس گرا به همراه داشت.

نوری، در این دادگاه، برای نخستین بار، به عنوان کسی که از نزدیک در جریان حوادث درون حاکمیت بوده است، در افشای «ولی فقیه» و انصارش اعلام کرد: «جنایت جنایت است در هر لباسی، یا هر اسمی و در هر پست و مقامی ... حال چگونه انسان های مظلومی را به خاطر عقایدشان مثله می کنند و از کسی فریادی بر نمی خیزد؟ آیا اگر فردی از سر درد فریاد برآورد، او مجرم است؟ چگونه است که در حکومت اسلامی بانویی سالمند را با بیش از ۲۵ ضربه کارد سلاخی می کنند ولی وقتی روزنامه ای به این مسایل می پردازد نا امنی به وجود می آید؟ گر سنگ از این حدیث بنالد عجب مدار. چه کسانی می خواستند گروهی از نویسندگان دگراندیش که از نظر فکری مثل ما نمی اندیشند را به قعر دره بیفکنند و چرا آن همه جرم و جنایت در حق جان افراد و نفوس انسان ها روا داشته شد...» (به نقل از کتاب «شوکران اصلاح»، صفحات، ۷۹ تا ۸۲).

یکی از مهم ترین رویدادهای سال ۱۳۷۸، برگزاری انتخابات ششمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی بود. مجلس دورهٔ پنجم به عنوان یکی از سنگرهای مهم ارتجاع، محل توطئه نیروهای واپس گرا بر ضد جنبش بود، و در طول پنج سال عمر خود شمار زیادی لایحه ضد مردمی به تصویب رساند، که عواقب آن هنوز در جامعه محسوس است. طرح های زن ستیزانهٔ جدا سازی خدمات درمانی بر اساس جنسیت، و طرح منع استفادهٔ تصویری از زنان، طرح ایجاد «بسیج دانشگاهی»، به منظور ایجاد محمل های قانونی برای اعزام نیروهای نظامی و شبه نظامی به دانشگاه ها، طرح محدود کردن هرچه بیشتر حقوق ناچیز مطبوعات، و طرح «تعزیرات اسلامی»، از سلسله لوایحی است که همگی با ایجاد زمینه های «قانونی» ضربه زدن به جنبش تصویب شدند.

آخرین حرکت این مجلس ارتجاعی، حتی پس از شکست سنگین در انتخابات ۲۹ بهمن، یعنی تغییر در قانون کار، و به منظور خارج کردن کارگاه های پنج نفر و کمتر از شمول قانون کار، به روشنی نشانگر نقش و ماهیت مجلس شورای اسلامی و اکثریت نمایندگان دورهٔ پنجم مجلس بود.

انتخابات مجلس ششم، با وجود همه توطئه های نیروهای مدافع «ولی فقیه»، از جمله حذف شمار زیادی از نامزدهای مستقل و مترقی از جمع نامزدهای انتخاباتی، آوردگاه مهمی در مبارزه بر ضد ارتجاع بود، که با پیروزی چشم گیر جنبش مردمی خاتمه یافت. ارتجاع، پیش از انتخابات، آنچنان از این شکست و عواقب آن هراسناک بود که تلاش کرد با به میدان آوردن مهرهٔ اصلی و بند باز کهنه کار خود، هاشمی رفسنجانی، جنبش مردمی را با دشواری و انشقاق روبه رو کند. شکست مفتضحانه این «استوانه نظام»، یار نزدیک «ولی فقیه»، در انتخابات تهران، نشان داد که جنبش در طول سه سال اخیر رشد چشمگیری از نظر کیفی داشته، و به راحتی نمی توان آن را از مسیر اصلی منحرف کرد.

شکست وسیع نامزدهای مدافع «ولایت» در اکثر شهرهای مهم ایران، از جمله در اکثریت مراکز استان ها و شهرهای بزرگ، نشان داد که در صورت اعمال ارادهٔ اکثریت مردم، در ایران جایی برای ادامهٔ حکومت رژیم «ولایت فقیه» باقی نخواهد ماند. شرکت وسیع اکثریت نیروهای مترقی و آزادی خواه در این انتخابات، تأثیر مثبت و بسزایی بر جهت گیری جنبش و تدقیق شعارها و اهداف مبارزاتی آن بر جای گذاشت، و نشان داد که به تدریج زمینه های نزدیکی عملی بین نیروهای ضد استبدادی فراهم می شود.

هم میهنان ستمدیده، آگاه و شریف!

در آخرین روزهای سال ۱۳۷۸، ما باردیگر شاهد یورش تازهٔ نیروهای مدافع استبداد و ارتجاع، و با قصد ضربه زدن به جنبش بودیم. توطئه ترور سعید حجاریان، از چهره های فعال و موثر جبهه ائتلاف دوم خرداد، توسط نیروهای سرکوبگر و وفادار به «ولی فقیه» و انصارش، بار دیگر این نظر را مورد تأیید قرار داد که، ارتجاع حاکم مصمم است با استفاده از همه حربه های سیاسی، تبلیغاتی، قضایی، نظامی وحتی ترورهای سیاسی جلو تحولات را سد کرده و جنبش روبه رشد مردمی را با شکست روبه رو کند. همان طوری که در اطلاعیه دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب ما نیز ذکر شده است: «یافتن ریشه های اختناق، سرکوب و ترور کار دشواری نیست. ریشه و زمینه های این جنایات را باید در کسان و یا نیروهایی جستجو کرد که، در دهه گذشته، فرمان کشتار زندانیان سیاسی را صادر کرده اند. ریشه این جنایات را در سخنان «ولی فقیه» رژیم که فریاد «منکوب کنید» و سرکوب کنید قیام دانشجویی ۱۸ تیرماه را سر داد، و یا در تهدید های «گردن زدن» و «زبان بریدن» فرمانده سپاه پاسداران و یا سخنرانی های تهدید آمیز مصباح یزدی ها، جنتی ها، یزدی ها و دیگران در نماز جمعه ها باید جستجو کرد که «مسلمانان با غیرت» را به ریختن «خون مرتدان» تشویق می کنند، و این اعمال را عین احکام و دستورات «اسلام» می دانند. سوء قصد به سعید حجاریان، پس از شکست سنگین نمایندگان جناح «ذوب در ولایت» در جریان انتخابات تاریخی ۲۹ بهمن، نشانگر آن است که مدافعان ارتجاع و حاکمیت استبداد، بیش از پیش، از بی آیندگی خود هراسناک اند و آماده اند تا هر مرزی، از جمله کشتار نیروهایی که «خودی» می نامیدند، پشت سر گذاشته و به هر جنایتی متوسل شوند» (به نقل از ضمیمه «نامه مردم»، شمارهٔ ۵۷۸، ۲۴ اسفندماه ۱۳۷۸).

ما در آخرین هفته های سال ۱۳۷۸، همچنین شاهد اوج گیری جنبش کارگری در مقابله با رژیم بودیم. اعتراض های وسیع کارگران در مقابل مجلس شورای اسلامی و شهرهای گوناگون، حکایت از بیداری و هوشیاری کارگران رزمندهٔ میهن ما دارد، و اعلام مواضع تشکل های کارگری، از جمله بیانیه تحلیلی «کارگران صنوف و کارخانجات تهران» در مورد انتخابات مجلس ششم، گام مهمی در راه ارتقاء نقش کیفی طبقه کارگر در جنبش است، که باید از هیچ کوشش و تلاشی در راه گسترش آن دریغ نکرد. سال ۱۳۷۸، بررغم همه فراز و نشیب ها، سال پر ثمری برای جنبش، سال شکست سنگین ارتجاع در انتخابات مجلس، سال رسوایی «ولی فقیه» و انصارش در دادگاه تفتیش عقاید «ویژه روحانیت»، سال تجربیات گرانبها در مقابله با توطئه های ارتجاع، و در مجموع، سال مهم و سرنوشت سازی در تحولات میهن ما بود.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، ضمن شادباش این پیروزی ها، فرار رسیدن سال ۱۳۷۹ را به همه هم میهنان عزیز، و هواداران و دوستان حزب، که همچنان در راه آرمان های والای طبقه کارگر و زحمتکشان می رزمند، تبریک می گوید، و امیدوار است سال نو، سال پیروزی های باز هم بیشتر برای جنبش مردمی و سال طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ما باشد.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۲۹ اسفندماه ۱۳۷۸

بررسی رویدادها ی جهان

موفقیت چپ در انتخابات السالوادور

در انتخابات شهرداری ها و پارلمان السالوادور که در روز ۲۲ اسفند، برگزار شد، چریکهای سابق جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی، پیروزی چشم گیری را به دست آوردند. در حالی که حدود ۹۰ درصد آرا خوانده شده است، پیش بینی می شود که فارابوندومارتی ۳۱ کرسی از ۸۴ کرسی مجلس را به دست بیاورد. نتایج حاصله، موازنه نیروها در پارلمان را به نفع فارابوندو مارتی، که در سال ۱۹۹۲ متعاقب امضای پیمان صلح خود را از یک سازمان چریکی به یک حزب سیاسی تبدیل کرد، تغییر خواهد داد. نیروهای راست گرای «ائتلاف جمهوری خواهان ملی» (آرنا)، که در گذشته متهم به همکاری با جوخه های مرگ دست راستی شده بود، ۲۹ کرسی بدست آوردند. بر طبق اظهارت سخنگویان رسمی، فارابوندو مارتی در انتخابات شهرداری ها ۷۵ کرسی از ۲۶۲ کرسی ممکن را به دست آورده است. در انتخابات شهردار سن سالوادور پایتخت کشور، هکتور سیلوا، کاندیدای فارابوندو مارتی با آرا چشمگیری پیروز شد.

دکتر سیلوا، در اولین سخنان خود پس از پیروزی در انتخابات، در مورد لزوم بهبود شرایط زندگی همه مردم السالودور سخن گفت. او با اشاره به خاطره اسقف ترقی خواه، اسکار رومورو، که در سال ۱۹۸۰ توسط یک جوخه مرگ دسته راستی به قتل رسید، گفت که، روح رومرو ناظر تصمیمات او در دوران مسئولیتش خواهد بود. قبل از انتخابات حاضر، آرنا ۲۸ کرسی مجلس و ۱۶۰ شهرداری و فارابوندو مارتی ۲۷ کرسی مجاس و ۴۸ شهرداری را کنترل می کردند. پلاتفرم انتخاباتی فارابوندو مارتی شامل برنامه اجتماعی برای تقلیل جنایت بود. در این انتخابات، «حزب مصالحه ملی» ۱۴ کرسی، حزب دموکرات مسیحی ۵ کرسی و ائتلاف سوسیال دموکراتیک «مرکز وحدت دموکراتیک» ۳ کرسی به دست آورند. «حزب عمل ملی» که مرکب از نیروهای شبه نظامی سابق است، ۲ کرسی را تصاحب کرد.

توطئه برای انشعاب در حزب کمونیست

رفیق پیتر سیمونکو، رهبر حزب کمونیست اوکراین، در در روز ۲۲ اسفند، اظهار داشت که، « اتحادیه جوانان کمونیست اوکرایین» ، تحت قیمومیت مسئولین کاخ ریاست جمهوری، ایجاد شده است و هدف آن تحمیل یک انشعاب در طیف چپ احزاب سیاسی است. بر اساس گفته های سیمونکو، اکثریت نمایندگان کنگره، پایه گذاری «اتحادیه جوانان کمونیست اوکرایین» دانش آموزان و دانشجویانی بودند که هیچ ایده یی در بارهٔ مقصد مسیری که توسط روسای کالج ها و دانشکده های آنان پیش روی شان گذاشته شده است، نداشتند. در روز ۲۱ اسفند، ۱۲۰ نماینده از سراسر اوکرایین، کنگره پایه گذاری اتحادیه جوانان کمونیست اوکرایین را در کیف برگزار کردند. این کنگره می تواند سر آغاز ی بر انشعاب در کامسامول و حتی حزب کمونیست اوکرایین باشد. سیمونکو اضافه کرد که، کوششهایی برای ایجاد انشعاب در حزب کمونیست اوکرایین و ایجاد یک سازمان جایگزین با نام مشابه در جریان است. سیمونکو همچنین اشاره کرد که، مقامات در صدد شعله ور کردن «دشمنی با کمونیستها» در جامعه بوده، و در تصاحب ساختمان مرکزی حزب توسط گروهی جوان افراطی دست داشته اند. اولکساندر استارنتز، یکی از سازمان دهندگان کنگره و دبیر کل سابق کامسامول، خطاب به کنگره گفت که. کامسامول به «یک بخش جوانان حزب کمونیست بدل شده است» که گویا «بر طبق قوانین رفقای کمونیست مسن» عمل می کند.

فراخوان برای پیروزی میهن پرستان روسیه

در فراخوانی خطاب به مردم روسیه، گنادی زیوگانوف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه و کاندیدای «جنبش برای پیروزی!» در انتخابات ریاست جمهوری، که در روز ۷ فروردین ماه انجام می گردد، در رابطه با تهدید خطرناکی که بر فراز روسیه در پرواز است، اخطار داد. رهبر کمونیستها ی روسیه متذکر شد: « مقامات در صدد سرپوش گذاردن بر حقایق پیرامون وضعیت فاجعه بار کشورند. اگر سیاست فعلی ادامه پیدا کند، در ابتدای تابستان روسیه با یک سقوط اقتصادی مواجه خواهد شد. میلیونها نفر از مردم کارهای خود را از دست خواهند داد. حقوق بازنشستگی ، مقرری ها و پرداخت حقوق دوباره متوقف خواهد شد. »

بیانیه زیوگانوف، در ادامه فاش می کند که، الیگارشی حاکم با آگاهی پیرامون سرعت فرارسیدن این سقوط، سعی در «گول زدن » مردم داشته اند. آنها قبل از این که حقیقت آشکار شود، یلتسین را از قدرت برداشتند، و یک انتخابات زود رس ریاست جمهوری اعلام کردند. آنها تصمیم گرفته اند که یک مجری گوش به فرمان و بی رحم را که در صدد منفعل کردن گرسنگان و حفاظت از مایملک الیگارشی است را به تخت بنشانند. رژیم جانشینان یلتسین برای شما فقر و نابودی را به ارمغان خواهد آورد. اگر اجازه بدهید گولتان بزنند، دیکتاتوری و خشونت منتظرتان خواهد بود. زیوگانوف اعلام می کند که «برای نجات کشور ، سیاست اقتصادی و اجتماعی باید فورا تغییر یابد» و ادامه می دهد که، حزب کمونیست و متحدان آن، یک رشته اقدامات عاجل را برای « تضمین رشد اقتصادی پایدار » در برنامه خود دارند. این اقدامات توسط یک تیم متخصص، دولت «اعتماد خلق» که تحت کنترل پارلمان عمل خواهدنمود، به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. .»

بیانیه رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، پس از شماردن اقدامات عاجل اقتصادی و اجتماعی برای بهبود زندگی در کشور، و ایجاد ثبات در رابطه با تعهد خود به دموکراسی اظهار می دارد: «من خواستار قدرت مطلق که یلتسین طالب آن بود و جانشینان او در تلاش برای حفظ آنند، نیستم. ما آماده همکاری با همه آنهایی هستیم که به ایده آل های عدالت، حاکمیت مردم و میهن پرستی باور دارند، با تمام کسانی که به آزادی ما، حقوق بشر و هر چیزی که برای ملت مقدس است، احترام می گذارند...ما به کمک همدیگر صلح و نظم در کشور و رفاه همه خانواده هارا تضمین خواهیم کرد... آینده سرزمین مادری مان ، آینده شما و آینده فرزندانتان در دستهای شما قرار دارد. رای شما می تواند روسیه را نجات دهد.»

در تقابل با سیاست کلان اقتصادی

حزب کمونیست آفریقای جنوبی، در روز ۲۵ اسفند ماه، اخطار کرد که در صورت ادامه برخی سیاستهای اقتصادی دولت ، ائتلاف حاکم بین این حزب و کنگره ملی آفریقای جنوبی و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی ممکن است دچار انشقاق شود. دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، بلید نزیمانده، گفت که در درون ائتلاف حاکم انتقادات فراوانی در رابطه با عدم مشورت کنگره ملی آفریقای جنوبی با متحدان سندیکایی و کمونیست خود در مورد سیاست های اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. اوگفت که، حزب کمونیست با برنامه اقتصادی کلان دولت تحت عنوان استراتژی «رشد، اشتغال و باز تقسیم»، که هدف اصلی آن کاهش عظیم هزینه های عمومی، کسر بودجه و تورم اعلام شده، مخالف است. استراتژی دولت، همچنین، در بردارنده سیاست وسیع خصوصی سازی دارایی های دولتی از جمله خطوط هواپیمایی، راه آهن، سیتم های ارتباطات راه دور و تولید انرژی است که حزب کمونیست قویاً با آن مخالف است. کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اخیراً اجرای یک برنامه اعتراضات مداوم بر ضد خصوصی سازیها و موج بیکاری ناشی از آن را، که شامل یک اعتصاب عمومی در روز ۲۰ اردیبهشت است، اعلام کرده است. رفیق نزیمانده گفت: «ما اجازه نخواهیم دادکه حزب کمونیست را به سکوت وادارند.» او همچنین اشاره کرد که، مخالفت هنوز به آن درجه نرسیده است که ائتلاف حاکم را بشکند: «ما این احتمال را که در مقطع زمانی آینده ممکنست ناچار گردیم که به این ائتلاف پایان دهیم را نفی نمی کنیم، اما نه در حال حاضر... چنین امری، در ائتلاف بین حزب کمونیست، کنگرهٔ ملی آفریقا، و اتحادیه های کارگری که تنها نیرویی است که قابلیت جلو بردن کشور در زمان حاضر را دارد، ایجاد بی ثباتی می کند. این ائتلاف کنونی و فقط این ائتلاف است که قادر به تعمیق دموکراسی است» رفیق نزیمانده گفت که، مادامی که کمونیست ها در دولت کنگره ملی آفریقا حضور داشته باشند آنها سیاست های دولت را به مورد اجرا خواهند گذاشت.» او گفت که، اگر شما عضو یک سازمان باشید ، می باید به شیوه یی عمل کنید که تعهدات آن سازمان محترم شمارده شود. »

بربریت تحت نام فرهنگ!

در تاریخ ۱۷ اسفند، در بیانیه یی به مناسبت روز جهانی زنان، خانم کارول بلامی، مدیر کل یونیسف، شدیداً به موج خشونت های جنایتکارانه بر ضد زنان و دختران، که در گوشه وکنار جهان در پوشش برداشت های فرهنگی صورت می گیرد،حمله کرد. او گفت قتل زنان به دلایل «ناموسی» ، حمله با اسید، کشتن نوزادان دختر و سوزاندن عروس ها، نمونه هایی از خشونت و جنایت مردان و پسران بر ضد اعضای مونث خانواده ها و جوامع است.

خانم بلامی گفت که، این تاسف آور است که آنهایی که مرتکب چنین جنایاتی می شوند ، علناً در جوامع خود مورد تشویق قرار می گیرند، و مجازات آنها ناچیز است. خانم بلامی گفت: «زمان آن فرا رسیده است که دولت ها و جوامع محلی این اعمال را به عنوان جنایت بشناسند و به طور مصمم، برای جلوگیری از ادامه قتل و علیل کردن هزاران زن و دختر اقدام کنند. چنین جنایاتی باید قاطعانه مورد تعقیب قرار بگیرد. » خانم بلامی، با یاد آوری «کنوانسیون سازمان ملل در مورد رفع هر گونه تبعیض بر ضد زنان» ، از دولت ها خواست در جهت شناخت و تغییر تعصبات و سنت های باقی مانده از گذشته، که توجیه گر قتل های «ناموسی» و حملات با اسیدند، عمل کنند.

ده دلیل برای از هم پاشاندن سازمان تجارت

لیست منتقدان سازمان تجارت جهانی (س.ت.ج)، مصرف کنندگان ، کارگران، طرفدران محیط زیست، فعالان حقوق بشر، گروههای مدافع تجارت عادلانه، فعالان در رابطه با بیماری ایدز، سازمانهای حافظ حیوانات ، جنبش های نگران توسعه کشورهای جهان سوم ، جوامع مذهبی، و سازمان های زنان را شامل می گردد. اخیرا حتی برخی حامیان سازمان تجارت جهانی نیز به این لیست طولانی پیوسته اند.

در زمانی که «س.ت.ج» با مخالفت یکپارچه جهانی ، در تظاهرات عظیم خیابانی و اعتراض های گوناگون، در سیاتل، جایی که «س.ت.ج» سومین اجلاس وزرای خود را بین ۳۰ نوامبر و ۳ دسامبر برگزار کرد،مواجه است، مدافعان این پیمان با اتخاذ موضع دفاعی محض و استراتژی موثرتری، مبنی برتصدیق برخی کمبودها و جارزدن در باره نیاز به رفورم، در حال نوسان اند. منتقدان «س.ت.ج»،اکنون با یک وضعیت خطرناک مواجه اند. آنها نباید با پذیرفتن پیشنهاد برای رفورم های تخیلی و بزک گونه، به جای پیشنهادات اساسی تر برای عوض کردن بنیادین «س.ت.ج»، نباید دچار گیجی شوند خصوصاً اگر که این رفورم ها از جانب خود «س.ت.ج» و یا کشورهای ثروتمند عضو آن مطرح شده باشند. در عوض، آنها باید حول خواست غیر قابل مصالحه برای از هم پاشاندن «س.ت.ج» و قوانینی که توسط کمپانیها تدوین شده، گرد آیند.

در ادامه، ده دلیل برای چنین موضعی ارائه می شود:

۱. «س.ت.ج»، ملاحظات تجاری و بازرگانی را بر همه ارزش های دیگر ارجح می داند. قوانین «س.ت.ج» عموما مقرر می دارد که، قوانین و مقررات داخلی کشورها که برای گسترش حفاظت از کارگر، مصرف کننده، محیط زیست، بهداشت، حقوق بشر، حیوانات، و یا دیگر منافع غیر، تجارتی تدوین شده اند، درصورتی ملحوظ شوند که «کمترین محدودیت را متوجه تجارت سازند»، و هیچگاه تجارت تابع چنین ملاحظات غیر تجارتی ایی قرار نمی گیرد.

۲. «س.ت.ج»، دموکراسی را به تحلیل می برد. قوانین «س.ت.ج» قدرت انتخاب دولت های منتخب راشدیدا محدود کرده است، و هر گونه نقض قوانین«س.ت.ج» با مجازات های بسیار سخت پاسخ داده می شود. «س.ت.ج » پیرامون این که به تصمیم های داخلی و بومی کشورها برای چگونگی سازمان دهی اقتصاد و نظارت بر شرکت ها، عدم توجه نشان می دهد، در واقع تبلیغات پرسرو صدایی راه می اندازد. در مقاله ایی، که در مورد مزایای «س.ت.ج» در اینترنت منتشر شده، گفته می شود: «بر طبق قوانین «س.ت.ج»، هنگامی که تعهدی به لیبرالی کردن یک بخش از اقتصاد اعلام می شود، معکوس کردن آن خیلی دشواراست. دولت ها غالبا از «س.ت.ج» به عنوان یک قید مطلوب خارجی بر ، سیاست های خود استفاده می کنند. آنها مدعی می شوند که، «ما نمی توانیم این کار را بکنیم، چرا که موافقت نامه های س.ت.ج را نقض می کند. »

۳. «س.ت.ح» تنظیم کننده تجارت جهانی نیست، بلکه به طور فعال از آن حمایت می کند. قوانین «س.ت.ج» از تسهیل تجارت جهانی به قیمت ناکامی تلاش برای ارتقا توسعه اقتصادی محلی و سیاست هایی که جوامع، کشورها و مناطق را در جهت خود کفایی بیشتر سوق می دهد، حمایت می کند.

۴. «س.ت.ج» به جهان سوم صدمه می زند. قوانین «س.ت.ج» کشورهای جهان سوم را مجبور می کند تا بازارهای خود را بر شرکت های چند ملیتی بگشایند، و از کوشش برای حفاظت از صنایع نوپای بومی دست بکشند. در کشاورزی، گشودن بازار به روی واردات خارجی، که بزودی بر کشورهای جهان سوم تحمیل خواهد شد، باعث تسریع جابجایی اجتماعی میلیون ها تن از روستائیان خواهد شد.

۵. «س.ت.ج» اصل احتیاط عمل را تضعیف می کند. قوانین «س.ت.ج» عمدتا مانع عمل کشورهای در مقابله با بلایای طبیعی می شود، و در عوض، خواهان در نظر گیری احتمالات قبل از آن است که دولت ها بتوانند در جهت ممانعت از پویان به سلامت انسان و یا محیط زیست عمل کنند.

۶. «س.ت.ج» چند گونگی و تنوع را خفه می کند. قوانین «س.ت.ج» از طریق یک روند «هارمونیزه کردن»، استانداردهای بین المللی بهداشت، محیط زیست و جز اینها را، به مثابه یک سقف جهانی، ایجاد می کنند. کشورها و حتی ایالت ها و شهرها فقط در صورتی که موانع دشواری را پشت سر بگذارند ، می توانند از این استانداردها تخطی کنند.

۷. «س.ت ج» مخفیانه عمل می کند. محاکم آن در رابطه با «قانونی بودن» قوانین کشورها تصمیم می گیرند، ولی آنها کارخود را پشت درهای بسته انجام می دهند.

۸. «س.ت.ج» توانایی دولتهادر زمینه استفاده از قدرت خرید خود برای ترفیع حقوق بشر، محیط زیست ، حقوق کارگری و دیگر منظورهای غیر تجارتی را محدود می کند. در کل، قوانین س.ت.ج مقرر می دارند که، دولتها باید خرید را فقط بر اساس ملاحظات کیفیتی و قیمت انجام دهند.

۹. «س.ت.ج» ممانعت از ورود کالا هایی که توسط کار کودکان تولید شده ، مجاز نمی داند. در کل، «س.ج.ت» به کشورها اجازه نمی دهد که میان محصولات، بر اساس چگونگی تولید شان، و توجه به این که آیا آنها توسط کار کارگران مورد ستم، و یاکارگرانی که در معرض مواد سمی بوده اند تولید شده اند و ملاحظه ای برای حفظ انواع ، تمایزی قایل شوند.

۱۰. «س.ت.ج» حق اختراع و ثبت موجودات زنده را قانونی می کند. قوانین «س.ت.ج» حق ثبت و یااخذ حقوق اختصاصی نسبت به انواع زنده را مجاز و مقرر می دارد.

برخی از این مشکلات، نظیر تمایل وافر«س.ت.ج» به مخفی کاری، بطور با لقوه قابل ترمیم اند ، ولی مشکلات محوری مانند ارجحیت قایل شدن برای ارزش های تجاری در مقابل ارزش ها ،

ادامه در صفحه ۵

کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق شهید منصور پورجم از هامبورگ	۵۵۰ مارک
هادی از هامبورگ	۵۰ مارک
از آمریکا	۱۰۰ مارک
به یاد روزبه از برلین	۶۰ مارک

حساب بانکی ما:
نام N.Sadegie
شمارهٔ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse

21 March 2000

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:579
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm